

در پاسخ به سرکوب وحشیانه مردم و جوانان در تهران

پایگاه مقداد، مقر بسیج سپاه پاسداران در میدان جمهوری در هم کوبیده شد



تحت عنوان «ارزمایش دفاع شهری» به دستگیری و ضرب و شتم و شلاق زدن جوانان و مردم معترض می پردازند. عملیات دلاورانه بامداد امروز در قلب تهران، پاسخی آتشین به مزدوران بسیج ضد مردمی بود که به تعرض به جان و مال و نوامیس مردم و شکنجه و شلاق زدن زنان و جوانان در ملاءعام مبادرت کرده بودند.

ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور
۱۵ مرداد ۱۳۸۱

مردمی در مرکز و نواحی غرب تهران ایفا می کند. پاسدار سرتیپ احمد ذوالقدر سرکرده بسیج سپاه پاسداران ناحیه غرب تهران (برادر پاسدار باقر ذوالقدر جانشین سپاه پاسداران) مزدوران بسیجی را برای سرکوب تظاهرات و حرکت های اعتراضی جوانان و مردم معترض از همین جا هدایت می کند. مزدوران بسیجی متعلق به این پایگاه که در قالب گردانهای موسوم به عاشورا سازماندهی شده اند، با راه اندازی گشت های سرکوبگر و پست های ایست و بازرسی و هم چنین با برگزاری مانورهای سرکوبگرانه

هموطنان عزیز، ساعت ۵ بامداد امروز، سه شنبه ۱۵ مرداد ۱۳۸۱، یک گروه از جوانان انقلابی، پایگاه موسوم به مقداد، مقر بسیج سپاه پاسداران ناحیه غرب تهران را در میدان جمهوری در یک عملیات انفجاری در هم کوبیدند.

پایگاه مزبور که از شناخته شده ترین مراکز بسیج ضد مردمی در قلب تهران است، یک ضلع میدان جمهوری را به خود اختصاص داده و سالهاست که نقش کلیدی را در سرکوب جوانان و خیزشها و اعتراضهای

پنجشنبه ۱۷ مرداد ۱۳۸۱ - ۲۸ جمادی الاول ۱۴۲۳ بها معادل ۲ دلار شماره ۵۹۷ - فوق العاده MOJAHED No.597, Thursday, 8 August 2002 (31/2002) 2US\$-1.5Pounds-3Sfr-3C\$-2.2€

ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور افشا می کند: رسوایی دسیسه وزارت اطلاعات رژیم آخوندی علیه مجاهدین

نوار مکالمات و سؤال و جواب عناصر اطلاعات در داخل کشور با حمیدرضا یکتاپور که توسط مزدور سبحانی در سایتهای تابعه وزارت اطلاعات

«ناپدید» و در زندانهای آقای رجوی معرفی شد اطلاعات آخوندی در روزهای ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ تیرماه جاری از طریق مزدور محمدحسین سبحانی در سایتهای تابعه (مهذبین-ایران امروز-گویا) ادعا کرد که فردی به نام حمیدرضا یکتاپور سالهاست «ناپدید» و «هم اکنون در زندانهای آقای رجوی است». با توجه به یادداشت ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور که در همین صفحه می خوانید، نوار مکالمات و سؤال و جوابهای عناصر اطلاعات با حمیدرضا یکتاپور در داخل کشور بسیار شایان توجه است. یکتاپور یک اسیر سابق جنگ ۸ ساله بود که شب ۸ سال ۶۹ به ارتش آزادیبخش پیوسته بود و چند سال بعد در ۲۰ تیر ۷۶ در حوالی شهر کت از یک قرارگاه ارتش آزادیبخش مبادرت به فرار نموده و سپس به ایران رفت. سؤال و جوابهای زیر که با صدای طرفین بر روی چندین نوار ضبط شده است، علی القاعده بایستی در مهر یا آبان ۱۳۷۶ صورت گرفته باشد: در صفحه ۵

گزارش مزدور رامین دارمی به وزارت اطلاعات

۱۳۸۰/۱۲/۱

بسمه تعالی

به برادر گرامی حاج سعید اینجانب رامین دارمی فرزند [فرزند] عبدالامین متولد ۱۳۴۸ ش ۱۵۶۱ صادره آبادان بنابر پیشنهاد وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران برای انجام مأموریت به یکی از کشورهای اروپایی جهت افشای هر چه بیشتر منافقین اعلام آمادگی کامل می نمایم.

اینجانب یک بهمن ۱۳۸۰ بعد از طی مراحل قانونی در عراق وارد ایران از حوضه [حوزه] خسروی شدم مرعا بعد این امر از طرف برادران پذیرایی و استقبال بالایی به عمل آمد.

یک شب در قصر شیرین اقامت داشتیم و بعد از انجام مراحل قانونی به هتل مرمر تهران اعزام شدیم پذیرایی و استقبال بالایی از ما شد طی مدتی که در هتل مرمر بودیم

سرتیم من برادر محمد حسین سبحانی بود که به همراه علی قشقایی، طالب جلیلیان علی اشرفی در یک تیم بندی قرار گرفته بودیم برادران اطلاعات وزارت اطلاعات با ما می آمدن و هر مشکلی که داشتیم حل می کردند و در این مدت با حاج محمود صحبت کردم

مدت اقامت در هتل ده روز بود و وقتی به اهواز اعزام شدم برخی از بچه ها از جمله محمد حسین سبحانی و حمیدرضا یکتاپور هنوز در هتل مانده بودن تا خانواده آنها جهت استقبال شان به تهران بیاید

در اهواز دور روز ماندیم و خانواده ام جهت تحویل گرفتن مراجعه کردن که با یک مراسم چالایی انجام شد. طی مدت اقامت در هتل مرمر طرهای [طرحهای] پیشنهادی شما چندین بار در تیم توسط برادر محمدحسین سبحانی با ما مرور شدن و در آن خصوص توصیه شدیم و سلام

با تشکر از مسئولین محترم رامین دارمی ۱ اسفند ۱۳۸۰

نشریه مجاهد، سلام به همه مسئولان و دست اندرکاران نشریه و مجاهدت بی امان شما در برابر دشمن ضدبشری، به ضمیمه، برخی اسناد رسوایی دسیسه وزارت اطلاعات آخوندی، برای اطلاع از ابعاد ردیلت و فضیحت آخوندها و کین نوزی حیوانی آنان علیه مجاهدین تقدیم می شود و این تازه مثنی از خروار است.

در سند اول که یک گزارش درونی «وزارت» است، پاسدار نفوذی به نام رامین دارمی که توسط ضد اطلاعات ارتش آزادیبخش افشا شده بود به گوشه یی از آن چه در هتل مرمر گذشته اشاره می کند و خانه شاگردی محمدحسین سبحانی برای وزارت دژ خیمان آشکار می شود. مصرف این مزدور در بخش فارسی بی. بی. سی علیه مجاهدین بی حکمت نبود. حمیدرضا یکتاپور هم در هتل بوده است. از دشمن پرهنج کاری، محمود علیقتی، رسول محمدزاده، حمید دهمدار، اکبر اکبرزاده و حبیب علی اصغرپور نقرات بعدی هستند.

سند دوم شامل نوار مکالمات و سؤال و جواب عناصر اطلاعات با یک اسیر جنگی سابق به نام حمیدرضا یکتاپور است که پنج سال پیش از یک قرارگاه ارتش آزادیبخش گریخته و سپس به ایران آمده است.

سند سوم مربوط به جلسه توجیهی وزارت اطلاعات در اول مرداد ۸۱ در هتل المپیک علیه مجاهدین است که از صبح تا آخر شب ادامه داشته و تکستی از آن به شناسایی مجاهدین با عکس اختصاص داشت. لطفاً انتشار این سند را به بعد موکول کنید تا کسی ضربه یی نخورد.

سند های چهارم و پنجم دستورالعملهای ستاد کل نیروهای مسلح و وزارت اطلاعات برای مقابله با ارتش آزادیبخش در صورت حمله آمریکا به عراق است.

ضمناً الهیه هیکس که معرف حضور است در این ایام در ایران می باشد. اطلاعاتی ها می گویند که برای او برنامه مسیوطی (شامل دیدار با مأموران اطلاعات تحت عنوان اعضای سابق مجاهدین در هتل مربوطه) چیده اند تا در بازگشت از این دیدارهای نوبه یی با پوشش حقوق بشر، فضای حقوق بشر را علیه مجاهدین بچرخاند و رژیم از محکومیت بگریزد.

می گویند در این ایام در اصفهان است و «وزارت» می خواهد ارگانهای وابسته به رژیم در خارج کشور با او تماس بگیرند و علیه مجاهدین از او حرف بکشند.

خیلی ساده و روشن، رژیم بقای خود را در فضای مجاهدین و تنها جایگزین دموکراتیک و مستقل می بیند اما باز هم مثل همیشه شتر در خواب بیند بنده دانه ... پیروز باشید - ستاد فرماندهی داخل کشور ۱۶ مرداد ۱۳۸۱

مأمورانی که ناگزیر از جلد اعضای «مستر دشته» تحت شکنجه مجاهدین خارج و سر بآه اروپا صادر شدند!

اطلاعیه کمیسیون امنیت و ضد تروریسم شورای ملی مقاومت ایران (۱۴ مرداد ۱۳۸۱)

فیلم و عکسهای بازگشت زاندارم مزدور جعفر بقال نژاد از مأموریت تهران

● سناریوی اولیه اطلاعات آخوندی، آن چنان که در خردادماه در ارگانهای وابسته و سایتهای تابعه بیان گردید، این بود که گویا بیش از ۸۰ تن از «مسئولین و اعضای معترض سازمان مجاهدین» در یک «قوطه مشترک با رژیم عراق» به طور «کت بسته» به «رژیم جمهوری اسلامی» «مسترد گردیده و هم اکنون تحت شکنجه و در معرض اعدام هستند!

● مزدور سبحانی و جواهری یار به آلمان، ادهم طیبی به اسکاندیناوی، ترمادویان به سوئیس و صادقیان به ترکیه صادر شده اند و الباقی هم در راه هستند

● به استثنای ترمادویان، بقیه مأموران صادراتی در اطلاعیه ۱۴ اردیبهشت کمیسیون امنیت و ضد تروریسم و در گزارش مدیر بت ضد اطلاعات ارتش آزادیبخش، پیشاپیش افشا شده اند

● جواهری یار که به زودی سر رسید بهره داری از او فرا خواهد رسید، همان مزدور نفوذی است که در گزارش مدیر بت ضد اطلاعات ارتش آزادیبخش با دستنوشته های خودش افشا گردیده است

امامی راد نماینده مجلس رژیم (رسالت-۱۰ مرداد): خروج از حاکمیت به پادگان اشرف در بغداد می انجامد

درخواست عاجزانه رژیم از آمریکا برای حمله به مجاهدین و هدف قرار دادن قرارگاههای ارتش آزادیبخش ملی

(خبرگزاری رژیم - ۱۵ مرداد)

محسن رضایی دبیر تشخیص مصلحت و سرکرده سابق پاسداران: «اگر آمریکا بیهوش در حمله به عراق به پادگانهای نظامی منافقین حمله نکنند، تبعیض آشکاری علیه تروریسم قائل شده اند که پرونده آمریکا نزد ملت ایران را بدتر می کند. در حالی که اگر آمریکا به پادگانهای منافقین حمله کند از علامتهای حسن نیت آمریکا به حساب خواهد آمد»

بقال نژاد گرداننده سایت نگاه نو و لجن نامه پیوند از ۲۷ فروردین تا ۱۰ اردیبهشت و از ۱۱ تیر تا ۲۵ تیر در تهران بود و در بازگشت، آخرین توجیحات را در جلسه شبکه مأموران وزارت اطلاعات شرکت کریم حقی، شمس حائری، مهدی خوشحال، ادهم طیبی، میترا یوسفی، شیرعلی و... بازگو نمود

● اراکل مزبور باید خود را در خارج کشور مخالف ولایت فقیه معرفی کنند، با مبارزه مسلحانه قویا به مخالفت بپردازند و به میزانی که دستشان رو نشود طرف «جبهه اصلاحات و دوم خرداد» را بگیرند

در شرایطی که وضعیت انفجاری جامعه و بالاگرفتن بحران درونی حاکمیت از «شمارش معکوس» رژیم آخوندی خیر می دهد، وزارت جاسوسی و آدمکشیی این رژیم در شایعه سازی و دروغ پردازی و لجن پراکنی و توطئه چینی علیه تنها جایگزین دموکراتیک و مستقل افسار پاره کرده و بیدریغ و طب و یابس به هم می بافد.

همین امروز روزنامه اشرفی الاوسط با اشاره به مجموعه علائم نزدیکی اجل رژیم، «خاطر نشان کرده است که «اکنون بدون شک و تردید می توان گفت که شمارش معکوس دوران جمهوری اسلامی ایران شروع شده و ... حتی مسافت قابل توجهی در این راستا پیش رفته است». «هیستری رژیم آخوندی علیه مجاهدین و مقاومت ایران و به در و دیوار زدن اطلاعات آنها یکی از همین «علائم نزدیکی اجل» و نمودهای دوران پایانی است:»

بقیه در صفحه ۳

ادوارد ترمادویان مزدور نورسیده از هتل مرمر تهران به سوئیس

از: ادوارد به: خواهرزاده: با سلام: خسته نیاشید

نمیدانم چگونه این گزارش را برایتان بفرستم و با چه رویی این کار را انجام بدهم. اما باور کنید که در این چند هفته بر من چه گذشت و چگونه گذران کردم خودم هم نمیدانم. در این چند روز چهره تنگین و جنایتکار من بر من روشن شد و خودم را در اینجا دیدم و نمیدانم چگونه از این جریان باید درآیم، اما این برایم کاملاً روشن است که آب رفته را بازگشتی نیست. اما این رحمت و این بخشودگی را من در سازمان دیده ام و اگر نه بایستی مرا بارها اعدام میکردند. بایستی که با بدترین شیوه محاکمه و محکوم و حکم آنرا اجرا میکردید، اما این رحمت و این عطوفت تنها در کانون شما یافت میشود: من در این چند سال نهایت پستی را در قبال اوج پرداخت و اوج معرفت این سازمان کرده ام و میدانم که یک جنایتکارم و بدون محاکمه بایستی بلاوقه اعدام شوم، میدانم که چون یک گراز وحشی و یک پاسدار جانی در این مناسبات بیاک چه کرده ام، به همین دلیل هم روزانه لحظه ای نیست که به خودم لعنت نکنم و هر لحظه (لحظه) این کلمه را تکرار میکنم که ای لعنت بر من که این مناسبات را اینطور به فضاقت کشیدم، ای لعنت بر من که در این ۱۰ سال تا چه اندازه پست و کثیف و نابود و نمک نشناس بوده ام. و چقدر جانی و جنایتکار...

من از خداوند و از شما طلب عفو و بخشش میکنم که این بار هم از من گذرید و بر من ببخشید از این ظلم و از این بی شرافتی که نموده ام سرخورده و بشیمانم پس این بار هم درب توبه را به روی من باز کنید تا بتوانم در این مناسبات زنده شوم و یکبار دیگر مرا به خانواده خودم راه دهید. همین که آنروز اسمم را بردید هزاران بار برآیم درس شد و هنوز هم همین حالا وقتی یادش می آیم سرتا به پا خیس عرق میشود. عاجزانه درخواست میکنم که این موضوع در مرکز خودمان حل و فصل کنیم و سرگند یاد میکنم که این آخرین بار در هرگونه خراب کردن و

جنایات دهه ۶۰ آخوندها سایه وحشت بر باندهای رژیم

رسالت (۱۴ مرداد): در صورت خروج از حاکمیت افکار عمومی نه به عملکرد افراطیها در دوران اصلاح طلبی، بلکه به سوابق و رفتارهای آنان در پینی از این دوران و دهه ۶۰ توجه خواهند کرد. خروج از حاکمیت، به گونه یی اجتناب ناپذیر، باعث زنده شدن گذشته و سربرا آوردن آن ... می شود. آنان خود به دست خویش گذشته شان را از اعماق بیرون می آورند و ماهیت خشن و سرشت تندروانه خود را بر ملا می سازند. طیف گسترده و غیر قابل شمارشی از رفتارهای خشن و فاشیستی این افراد به زودی برای افکار عمومی روشن خواهد شد، سباده کشیدن بر لبهای زنان، اسید پاشیدن بر روی صورت زنان بدحجاب، ضرب و شتم گروهبانیهای سیاسی مخالف به ویژه در دانشگاهها، نوع رفتارهایی که در مقام بازجو یا دادستان مرتکب شده اند بسیاری از اصلاح طلبان امروز، یک سابقه بازجویی یا دادستانی برای خود دارند، تشکیل گروهبانی فشار و ... جز به مشارکت که اکثرشان پایه گذار خنوت، و تحجر ... در دهه ۶۰ بودند

«کارتهای سوخته وزارت اطلاعات آخوندی» منتشر شد

در این کتاب که شامل ده فصل و ۳۰۸ صفحه است و گزارش مدیر بت ضد اطلاعات ارتش آزادیبخش و اسناد و اطلاعاتیه های روشنگر کمیسیون امنیت و ضد تروریسم را هم دربرمی گیرد، با ابعاد رویارویی اطلاعات دشمن ضدبشری و مقاومت میهنی آشنا می شوید.

زنده باد ارتش آزادیبخش ملی بازوی استوار و پراقتدار خلق قهرمان ایران